

روایات امامت امام عسکری علیه السلام در منابع امامیه

چکیده

نصوص امامت امام عسکری علیه السلام در منابع امامیه بر دو گونه است، تعدادی از نصوص، عمومی است و از ایشان به عنوان یکی از ائمه دوازده‌گانه نام می‌برد و پاره‌ای از اینها به طور ویژه از امامت آن حضرت سخن به میان آورده است. این نصوص در تعدادی از منابع معتبر حدیثی از جمله دو کتاب از کتابهای چهارگانه شیعه یعنی «کافی» کلینی و «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق رحمه الله علیه بازتاب دارد. اسناد تعداد قابل توجهی از این روایات، بر اساس دانش رجال معتبر است.

درآمد

امروزه اختلاف مرکزی میان امامیه و سایر فرقه‌های اسلامی، پیرامون مسأله امامت است. این مسأله به نوبه خود اهمیت واکاوی از مستندات هر مذهب را می‌طلبد. آنچه در این میان برای هر فرد شیعی مهم می‌نماید، بررسی ادله و نصوص امامت امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر پیشوایان امت اسلامی است. در دو نگاره مختصر، تعدادی از نصوص امامت امام جواد و امام هادی علیهما السلام در منابع امامیه را بررسی نمودیم، در این نوشتار بر آن شدیم تا در راستای همان نگاشته‌های قبلی، مقداری از نصوص امامت امام عسکری علیه السلام را با استناد به منابع امامیه تقدیم کنیم.

گزارشها

گزارشهای مربوط به امامت امام عسکری علیه السلام در منابع امامیه، به دو بخش گزارشهای کلی و اختصاصی تقسیم می‌گردد. این گزارشها در تعدادی از منابع معتبر حدیثی از جمله دو کتاب از کتابهای اربعه امامیه یعنی «کافی» کلینی و «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق رحمه الله به چشم می‌آید. نصوص امامت امام یازدهم، حجم قابل توجهی از میراث حدیثی امامیه را به خود اختصاص داده است به طوری که ملاحظه مجموع آنها، اطمینان به درستی آن را در پی دارد، به همین دلیل نیازی به بررسی سندی تک تک آنها نمی‌باشد، در عین حال؛ همانطور که در ادامه خواهید دید، روایات معتبر بر اساس دانش رجال امروزی، در این باره متعدد وجود دارد.

آنچه در پی می‌آید مقدار اندکی از این گزارشها است:

گزارشهای کلی

مقصود از گزارشهای کلی، آن دست نصوص و روایاتی است که امامت تمامی ائمه علیهم السلام از جمله امام عسکری علیه السلام را ثابت می کند. این گزارشها در سه دسته کلی با نامهای احادیث اثنی عشر، احادیث معراج و احادیث لوح، جای می گیرد.

أ. احادیث اثنی عشر

دسته نخست، احادیث اثنی عشر است. مقصود از این دسته، احادیث «دوازده خلیفه» معروف و مصطلح [اثنی عشر خلیفه] نیست. مراد، آن دسته روایاتی است که به مناسبتهای گوناگون، نامهای دوازده امام در آن ذکر گردیده است.

باید دانست؛ در دو دسته بعدی نیز اسامی دوازده امام آمده است اما با توجه به آنکه آن دو دسته هر کدام ناظر به یک جریان خاص بوده، در دو گروه مستقل آوردیم در حالی که دسته نخست به مناسبتهای گوناگون صادر گشته و ناظر به یک جریان خاصی نبوده است، به همین دلیل آن را به طور مستقل و تحت عنوان «احادیث اثنی عشر» آوردیم.

در این قسمت چهار روایت از این سری احادیث از چهار مصدر حدیثی، کافی کلینی، من لا یحضره الفقیه و عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق و کفایة الأثر مرحوم خزاز قمی، ارائه می شود. این روایات توسط امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام، به ثبت رسیده است. هر چهار روایت از نظر موازین دانش رجال معتبر و مورد قبولند.

در ادامه متن روایات به همراه بررسی اسنادشان تقدیم می گردد.

۱. امام صادق علیه السلام: الْإِمَامُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ ... وَ بَعْدَ عَلِيِّ الْحَسَنِ ابْنِهِ. (سند معتبر)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ مُوسَى قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ وَ عَبْدِ الْمَلِكُ بْنُ أَعْيَنَ ... قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَ أَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةَ الرَّبِّ وَ الْإِقْرَارَ لَهُ بِالْعِبُودِيَّةِ ... وَ بَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ ... وَ بَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ ... وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ أَبُو طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ مِنْ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحُجَّةُ مِنْ وَوَلَدِ الْحَسَنِ ...

الخرزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفى ٤٠٠هـ)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص ٢٦٠ تا

٢٦٣، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠هـ.

هشام می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که معاویه بن وهب و عبد الملک بن اعین بر آن حضرت وارد شدند ... امام علیه السلام به معاویه بن وهب فرمود: همانا برترین واجبات بر انسان معرفت پروردگار و اقرار به عبودیت است ... بعد از آن، معرفت نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است ... بعد از آن، معرفت امام است ... هر کسی باید بداند که امام بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله علی بن ابی طالب علیه السلام است، سپس حسن بن علی و حسین بن علی، بعد از او محمد بن علی و بعد از او من هستم، پس از من فرزندم موسی و سپس فرزندش علی، بعد از او فرزندش جواد و بعد از او فرزندش علی، سپس فرزندش حسن و سپس فرزندش حجت، امام است

بررسی سند

سلسله راویان این روایت همگی مورد اعتماداند. شرح حال هر یک از آنها را بنگرید.

الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ

نجاشی درباره او می نویسد:

الحسين بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي ثقة

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ؛ رجال النجاشي، ص ٦٨، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ. حسين بن علي بن حسين بن موسى قمي، فردی مورد وثوق است.

هَارُونُ بْنُ مُوسَى

نجاشی درباره او می گوید:

أبو محمد التلعكبري، من بني شيان: كان وجهاً في أصحابنا ثقة، معتمداً لا يطعن عليه...

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ؛ رجال النجاشي، ص ٤٣٩، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ. در میان اصحاب ما چهر شناخته شده و مورد اعتماد بود، وی قابل اعتماد بود و نمی توان به او اشکال گرفت

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ

نجاشی به بهترین وجه او را می ستاید. وی می نویسد:

شيخ القميين و فقيهم و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عين.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ؛ رجال النجاشي، ص ٣٨٣، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ. بزرگ اهل قم، فقیه و پیش کسوت آنان به شمار می رفت، او بسیار مورد اعتماد بود و شخصیت برجسته ای داشت.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ

وی نیز از نگاه نجاشی فردی مورد اعتماد و بزرگ است. او می گوید:

كان وجهاً في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٣٥٤، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ در میان اهل قم، دارای قدر و منزلت بود، او مورد اعتماد و گرانقدر بود.

يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ

نجاشی درباره او چنین می نگارد:

وكان ثقة صدوقا

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٤٥٠، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ وى انسانی مورد اعتماد و راستگو بود

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ

وثاقت ابن ابى عمير در میان شیعیان مورد اتفاق است. نجاشی درباره او نوشته است:

جليل القدر، عظيم المنزلة.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٣٢، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ او انسانی گرانقدر و والا مقام است.

هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ

وى نیز از شخصیت ممتاز برخوردار است. نجاشی درباره او می گوید:

ثقة ثقة.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٣٢، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ او بسیار مورد اعتماد است.

٢. امام كاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّكَ رَبِّي وَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ عَلِيًّا وَ ... الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ... أُمَّتِي. (سند معتبر)

روى عبد الله بن جندب عن موسى بن جعفر أنه قال: تقول في سجدة الشكر اللهم إني أشهدك و أشهد ملائكتك و أنبياءك و رسلك و جميع خلقك أنك أنت الله ربي و الإسلام ديني و محمدًا نبيي و عليًّا و الحسن و الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي - و علي بن محمد و الحسن بن علي و الحجة بن الحسن بن علي أمتي بهم أتولى و من أعدائهم أتبرأ ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ۱ ص ۳۲۹، تحقیق: علي اكبر الغفاري، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عبد الله بن جندب می گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: به هنگام سجده شکر می گویی: بار خدایا! تو و ملائکه و پیامبران و تمامی مخلوقات را گواه می گیرم که همانا تو پروردگام هستی و اسلام دین من است و محمد صلی الله علیه وآله پیامبر من است و علی بن ابی طالب، حسن و حسین و علی بن محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجه بن حسن، امامان من هستند، نسبت به آنها تولی دارم و از دشمنانشان برائت می جویم.

بررسی سند

صدوق رحمه الله علیه در مشیخه کتاب «من لا يحضره الفقيه» طریق خود به عبد الله بن جندب را اینگونه آورده است:

وما كان فيه عن عبد الله بن جندب: فقد روته عن محمد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه عن علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن عبد الله بن جندب.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ۴ ص ۴۵۸، تحقیق: علي اكبر الغفاري، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

تمامی این افراد از اعتبار کافی برخوردارند. در ادامه شرح حال تک تک آنها را می آوریم.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَاجِيلَوِيهِ

شیخ صدوق رحمه الله علیه روایات فراوانی از او در کتابهای گوناگونش نقل می کند، چنین امری می تواند نشان از اعتماد و تایید صدوق رحمه الله علیه نسبت به او باشد. به همین دلیل جمعی از دانشمندان بر این عقیده اند اگر راویان ثقه به ویژه افرادی مانند کلینی و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده است.

نگه: تراپی شهر رضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، ص ۳۴۵.

و عده ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می دانند. مرحوم آیت الله بروجردی در یک سخنی چنین می آورد:

الظاهر أنه يمكن استكشاف وثاقة الراوي من تلاميذه الذين أخذوا الحديث عنه فإذا كان الآخذ مثل الشيخ أو المفيد أو الصدوق أو غيرهم من الأعلام خصوصاً مع كثرة الرواية عنه لا يبقى ارتياب في وثاقته أصلاً.

الفاضل اللنكراني، نهاية التقرير في مباحث الصلاة، تقرير بحث البروجردی، ج ۳ ص ۲۳۲، ناشر: مركز فقه

الأئمة الأطهار عليهم السلام.

ظاهر آن است که وثاقت راوی را می توان از طریق شاگردانی را که از او حدیث اخذ نمودند، به دست آورد. پس زمانی که گیرنده حدیث مثل شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و امثال این بزرگان باشند، به ویژه آنکه از آن راوی زیاد روایت نقل کنند، شکی در وثاقت آن راوی باقی نمی ماند.

علاوه بر آنکه علامه حلی رحمه الله علیه طریق شیخ صدوق رحمه الله علیه به منصور بن حازم را که در میان آنها ماجیلویه وجود دارد، طریقی معتبر و صحیح می داند. بنا بر این؛ می توان گفت که وی از نگاه علامه حلی رحمه الله علیه نیز مورد اعتماد است. متن علامه رحمه الله علیه این است:

وطریق الشیخ ابي جعفر محمد بن بابويه في كتاب من لا يحضره الفقيه ... عن منصور بن حازم صحیح

الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ۷۲۶هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۴۳۸،

تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

طریق (سلسله راویان) صدوق رحمه الله علیه در کتاب «من لا يحضره الفقيه» به منصور بن حازم، طریقی درست و صحیح است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

راوی بعدی علی بن ابراهیم است. نجاشی درباره او می گوید:

علي بن إبراهيم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ

رجال النجاشي، ص ۲۶۰، تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث است، وی مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است.

إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ

سومین نفر در این سلسله، پدر علی بن ابراهیم [ابراهیم بن هاشم] است. آیت لله خوبی رحمه الله علیه در شرح حال او می نویسد:

لا ينبغي الشك في وثاقة إبراهيم بن هاشم ويدل على ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه وقبول قوله.

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحديث ج ۱ ص ۲۹۱، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۲م

هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند، این چنین احادیث او در میان آنان مورد قبول نبود.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ

شیخ طوسی رحمه الله علیه او را مورد وثوق می داند و می نویسد:

عبد الله بن جندب البجلي ... ثقة.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، رجال الطوسي، ص ٣٤٠، تحقيق: جواد القيومي

الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ.

عبد الله بن جندب بجلى فردى مورد اعتماد است.

علاوه بر آن، در كتاب «الغيبه» آورده است:

وكان عابدا رفيع المنزلة لديهما على ما روي في الاخبار.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، كتاب الغيبة، ص ٣٤٨، تحقيق الشيخ عباد الله

الطهراني/ الشيخ على احمد ناصح، ناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة الأولى، ١٤١١هـ.

او فردى عابد بود و آنگونه كه در اخبار آمده، وى نزد امام كاظم و امام رضا عليهما السلام داراى منزلت بود.

٣. امام رضا عليه السلام: مَحْضُ الْإِسْلَامِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ خَلِيفَتَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَعْدَهُ ... ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ... (سند معتبر).

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَنِيْسَابُورِ فِي شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قَتِيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ مَحْضَ الْإِسْلَامِ عَلَى سَبِيلِ الْإِيْجَازِ وَ الْاِخْتِصَارِ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ أَنْ مَحْضُ الْإِسْلَامِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ... وَ أَنْ جَمِيعَ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ ... وَ خَلِيفَتُهُ وَ وَصِيَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ وَ ارْتِ عِلْمِ الْوَصِيِّينَ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ...

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى ٣٨١هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢ ص ١٢٩،

تحقيق: تصحيح و تعليق و تقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤

فضل بن شاذان مى گويد: مأمون از امام رضا عليه السلام درخواست كرد تا اسلام خالص را به طور خلاصه براى او بنويسد؛ امام عليه السلام در پاسخ او نوشت: اسلام خالص شهادت به يكتائى خداوند است ... و شهادت به رسالت پيامبر صلى الله عليه وآله ... و اينكه هر چه را او آورد، حق است ... و امام بعد از او على بن ابى طالب عليه السلام است، سپس امامان بعدى، حسن بن على، حسين بن على، على بن حسين، محمد بن على، جعفر بن محمد، موسى بن جعفر، على بن موسى، محمد بن على، على بن محمد، حسن بن على و حجت منتظر عليهم السلام هستند ...

بررسی سند

عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسِ

راوی اول عبد الواحد بن عبدوس نیشابوری است. شیخ صدوق رحمه الله علیه روایات زیادی از او نقل می کند. پیشتر گفتیم که چنین امری می تواند نشان از اعتماد صدوق رحمه الله علیه نسبت به این راوی بوده باشد و گذشت که عده ای از عالمان چنین افرادی را مورد اعتماد می دانند.

شهید ثانی ره در کتاب فقهی مسالک الافهام، درباره عبد الواحد بن عبدوس می نویسد:

وإنما ترك المصنف العمل بها لأن في سندها عبد الواحد بن عبدوس النيسابوري وهو مجهول الحال مع أنه شيخ ابن بابويه وهو قد عمل بها فهو في قوة الشهادة له بالثقة ومن البعيد أن يروي الصدوق رحمه الله عن غير الثقة بلا واسطة.

الشهيد الثاني، مسالك الأفهام، ج ٢ ص ٢٣، الناشر: مؤسسة المعارف الإسلامية - قم - إيران

همانا مصنف [محقق حلی ره] عمل به این روایت را ترک کرد برای آنکه در سندش عبد الواحد بن عبدوس وجود دارد و او فردی مجهول الحال است. [شهید ثانی می گوید:] در حالی که او شیخ ابن بابویه [صدوق ره] است و صدوق ره به این روایت عمل کرد. این [عمل شیخ صدوق ره به روایت عبد الواحد بن عبدوس] همانند آن است که به وثاقت عبد الواحد بن عبدوس شهادت داده باشد. بعید است که صدوق ره از فردی که مورد وثوق نیست، بدون واسطه روایت نقل کند.

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَتَيْبَةَ

راوی دوم، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری است. نجاشی می گوید:

عليه اعتمد أبو عمرو الكشي في كتاب الرجال

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ

رجال النجاشي، ص ٢٥٩، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

كشّي در کتاب رجال خود بر او اعتماد کرده است.

علاوه بر آنکه کشی در کتاب رجالی خود روایات فراوان از او نقل می کند، کثرت نقل بزرگان از یک راوی، همانطور که قبلاً هم گفتیم، در نگاه عده ای از دانشمندان نشانه ای بر وثاقت آن راوی به شمار می رود. البته چه بسا اعتماد کشی نسبت به این راوی که در کلام نجاشی آمده، از این باب بوده باشد.

الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ

فضل بن شاذان آخرین راوی این سلسله است. نجاشی جایگاه بلندی برای او قائل است و درباره او می نویسد: و كان ثقة أحد أصحابنا الفقهاء و المتكلمين و له جلالة في هذه الطائفة و هو في قدره أشهر من أن نصفه.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ

رجال النجاشي، ص ٣٠٦، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

انسانی مورد وثوق بود. یکی از فقهاء و متکلمان اصحاب ما بود. در میان طایفه، دارای جلالت قدر است و جایگاه او مشهورتر از آن است که توصیفش کنیم.

٤. امام جواد علیه السلام: أَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ

مُحَمَّدٍ - سَنَدٌ مَعْتَبَرٌ

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ
الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهُوَ مَتَكِيٌّ عَلَى يَدِ
سَلْمَانَ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَجَلَسَ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ حَسَنَ الْهَيْئَةِ وَاللِّبَاسِ فَسَلَّمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - فَرَدَّ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ إِنْ أَخْبَرْتَنِي بِهِنَّ عَلِمْتُ أَنَّ الْقَوْمَ رَكَبُوا مِنْ أَمْرِكَ
مَا قَضَى عَلَيْهِمْ وَأَنْ لَيْسُوا بِمُؤْمِنِينَ فِي دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ وَإِنْ تَكُنِ الْآخِرَى عَلِمْتُ أَنَّكَ وَهُمْ شَرَعٌ سَوَاءٌ ...
فَالْتَفَتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَجِبْهُ قَالَ فَاجَابَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الرَّجُلُ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِذَلِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ
رَسُولِ اللَّهِ صَ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّهُ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ
وَأَشَارَ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَصِيُّ أَخِيهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ بَعْدَهُ وَأَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ بَعْدَهُ وَأَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَأَشْهَدُ عَلَى
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بَأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ عَلَى مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَأَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَأَشْهَدُ عَلَى
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بَأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بَأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَشْهَدُ
عَلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ ... فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
ثُمَّ قَامَ فَمَضَى فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ اتَّبِعْهُ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ أَيَّنَ يَقْصِدُ فَخَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا
كَانَ إِلَّا أَنْ وَضَعَ رِجْلَهُ خَارِجًا مِنَ الْمَسْجِدِ فَمَا دَرَيْتُ أَيَّنَ أَخَذَ مِنْ أَرْضِ اللَّهِ فَرَجَعْتُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَأَعْلَمْتَهُ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أُنْعِرْهُ قُلْتَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ قَالَ هُوَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ مِثْلَهُ
سَوَاءً.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي، ج ١، ص ٥٢٥ الي ٥٢٦، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة

الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

امام جواد عليه السلام فرمود: امير المؤمنين عليه السلام وارد مسجد الحرام شد، حسن بن علي همراش بود و به دست سلمان
تكيه داده بود، ناگاه مردی خوش قواره و خوش لباس آمد و به امير المؤمنين عليه السلام سلام داد، آن حضرت جواب داد سپس
گفت: ای امير المؤمنين، من از تو سه مسأله می‌پرسم، اگر پاسخ آنها را دادی می‌دانم که این مردم در کار تو [امر امامت]
مرتکب خلاف شده اند، و در دنیا و آخرت خود آسوده نیستند و اگر پاسخ ندهی، می‌دانم که تو امتیازی نسبت به آنها نداری ...
[پس از آنکه سوالات را مطرح کرد] امير المؤمنين عليه السلام به امام حسن عليه السلام فرمود: ای ابا محمد، پاسخ او را بده، امام
حسن عليه السلام پاسخش را داد، آن مرد گفت: من گواهم که جز خدا کسی شایسته پرستش نیست و گواهی می‌دهم که
محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است و اشاره به امام علی علیه السلام کرد و گفت: گواهی می‌دهم که تو وصی رسول
خدائی و قائم به حجت او هستی سپس به حسن عليه السلام اشاره کرد و گفت: گواهی می‌دهم که تو هم وصی او هستی و
گواهی می‌دهم که حسین بن علی (عليه السلام) وصی برادر خود می‌باشد و گواهی می‌دهم علی بن حسین (عليه السلام) بعد
از حسین عليه السلام او امامت را اقامه می‌کند. گواهی می‌دهم بر محمد بن علی (عليه السلام) که او است قائم به کار امامت

علی بن الحسین علیه السلام. گواهی می دهد بر جعفر بن محمد (علیه السلام) که بعد از محمد بن علی، امامت را عهده دار می شود. گواهی می دهد بر موسی بن جعفر (علیه السلام) که قائم به کار امامت جعفر بن محمد علیه السلام اوست. گواهی می دهد بر علی بن موسی (علیه السلام) که قائم به کار امامت موسی بن جعفر علیه السلام اوست. گواهی می دهد بر محمد بن علی (علیه السلام) که قائم به امامت علی بن موسی علیه السلام اوست. گواهی می دهد بر حسن بن علی (علیه السلام) که قائم به کار امامت علی بن محمد علیه السلام اوست. گواهی می دهد بر مردی که فرزند حسن عسکری علیه السلام است ... او زمین را از عدالت پر کند چنانچه از ستم پر شده است. آنگاه گفت: درود بر تو ای امیر مؤمنان سپس برخاست و رفت. امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه فرمود: ای ابا محمد دنبالش برو ببین کجا می رود، امام حسن علیه السلام بیرون رفت و برگشت و فرمود: همینکه پایش را از مسجد بیرون نهاد، ندانستم کجا رفت. امام علی علیه السلام فرمود: ای ابا محمد، او را می شناسی؟ گفتم: خدا و رسولش و امیر المؤمنین داناترند، فرمود: او جناب خضر نبی علیه السلام بود.

بررسی سند

هر دو سند کافی معتبر است. در اینجا تنها سند نخست را مورد بررسی قرار می دهیم.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا

ابتدای سند با عبارت "عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا" شروع می شود و راوی بعد از آن، احمد بن محمد بن خالد برقی است. علامه حلی رحمه الله علیه از قول مرحوم کلینی نقل می کند:

كلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي فهم علي بن إبراهيم وعلي بن محمد بن عبد الله ابن أذينة وأحمد بن عبد الله بن أمية وعلي بن الحسن.

الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ۷۲۶هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۴۳۰، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ

هر گاه در کتابم گفتم: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، مقصود از آن عده و جماعت عبارتند از: علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه، احمد بن عبد الله بن أمیه و علی بن حسن.

هر گاه بتوانیم وثاقت حتی یک از نفر از این جماعت را ثابت کنیم، از جهت علمی این طبقه قابل تمسک و به اصطلاح، معتبر است. همانطور که مشاهده می کنید یکی از این افراد علی بن ابراهیم قمی است. دیدگاه نجاشی پیرامون وثاقت و اعتبار او پیشتر بیان شد و نیازی به تکرار آن نیست.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الْبَرْقِيِّ

احمد بن محمد بن خالد برقی نیز از نظر نجاشی مورد اعتماد است. وی درباره این راوی نوشته است: وكان ثقة في نفسه

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ رجال النجاشي، ص ۷۶، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

احمد بن محمد بن خالد فردی مورد وثوق بود.

أَبُو هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ

راوی بعدی ابو هاشم جعفری است. نجاشی پیرامون او می گوید:

داود بن القاسم أبو هاشم الجعفري رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ

رجال النجاشي، ص ١٥٦، تحقيق: السيد موسي الشيرازي، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

داود بن قاسم ابو هاشم جعفری، نزد ائمه عليهم السلام جایگاه بلندی داشت، او انسانی شریف و مورد وثوق بود.

ب. احادیث معراج

دسته دوم، احادیث معراج است. مطابق این روایات، خداوند متعال در سفر آسمانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، دوازده امام از جمله امام عسکری علیه السلام را به عنوان انسانهای نورانی، معصوم و جانشینان بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی نمود.

در اینجا سه روایت از مجموعه احادیث معراج را می آوریم. یک روایت از «کمال الدین شیخ صدوق» و دو روایت از «کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر مرحوم خزاز قمی» است. هر سه روایت را امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله است گزارش می دهد.

١. امام علی از رسول خدا علیهما السلام: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُوحِيَ إِلَيَّ رَبِّي ...
وَ إِذَا أَنَا بِأَنْوَارٍ ... وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ... قَالَ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَابِدَاذَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُوحِيَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَّاهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ عَلَى الْأَرْضِ أَطَّلَعْتُ عَلَيْهَا فَخَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا ... ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَخَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا وَ جَعَلْتَهُ وَصِيكَ ... وَ خَلَقْتُ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُورِكَ ثُمَّ عَرَضْتُ وَ لَوَّيْتُهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَنَانِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِهِمْ فَمَا أَسْكَنْتَهُ جَنَّتِي وَ لَا أَطَّلَعْتَهُ تَحْتَ عَرْشِي يَا مُحَمَّدُ تَحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ ارْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي وَ إِذَا أَنَا بِأَنْوَارٍ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِيٌّ - قُلْتُ يَا رَبِّ وَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، كمال الدين و تمام النعمة، ص ٢٥٢ الي ٢٥٣، ناشر: اسلامية - تهران،

الطبعة الثانية، ١٣٩٥ هـ

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هنگامی که مرا به آسمان سیر دادند، پروردگارم به من وحی کرد: ای محمد! همانا به زمین نظر کردم و تو را از آن برگزیدم و پیامبر قرار دادم... سپس دوباره نظری افکندم و علی را انتخاب کردم و او را وصی و خلیفه تو قرار دادم ... و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو نفر آفریدم. سپس ولایت آنها [امیر مؤمنان و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام] را به فرشتگان عرضه داشتیم، هر

کس پذیرفت نزد من از مقربین است. ای محمد اگر بنده ای به قدری مرا عبادت که مانند پوست و مشکی خشکیده و پوسیده شود سپس در حالی که منکر ولایت آنان باشد، مرا ملاقات کند، من او را در بهشتم جا ندهم و زیر عرشم سایه نبخشم. ای محمد آیا دوست داری آنها را ببینی؟ عرض کردم آری پروردگارا. خدای عز و جل فرمود: سر بلند کن، سر بلند کردم و انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و قائم را دیدم که قائم در وسط آنها مانند ستاره درخشان بود، عرض کردم پروردگارا اینها کیانند؟ فرمود امامان بعد از تو هستند...

۲. امام علی از رسول خدا علیهما السلام: لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ اُنْتَى عَشْرَ نُورًا فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ اَنْوَارُ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ ... بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنِهِ الْحَسَنِ

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَنْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنِي سَلِيمَانُ بْنُ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنِي شَرِيكٌ عَنْ حَكِيمِ بْنِ جَبْرِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: خَطَبْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَلِيَّ مَنبَرِ الْكُوفَةِ خَطْبَتَهُ اللَّوْلُوَّةَ ... فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يَقَالُ لَهُ عَامِرُ بْنُ كَثِيرٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَقَدْ أَخْبَرْتَنَا عَنْ أئِمَّةِ الْكُفْرِ وَخُلَفَاءِ الْبَاطِلِ فَأَخْبَرْنَا عَنْ أئِمَّةِ الْحَقِّ وَالْأَسَنَةِ الصَّدَقِ بَعْدَكَ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُ بَعَثَ عَهْدَهُ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ أَنْ هَذَا الْأَمْرَ يَمْلِكُهَا أَتْنَا عَشْرَ إِمَامًا تَسْعَةٌ مِنْ صَلْبِ الْحُسَيْنِ وَ لَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَ لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدْتَهُ بَعَلِيٌّ وَ نَصَرْتَهُ بَعَلِيٌّ وَ رَأَيْتُ أَتْنِي عَشْرَ نُورًا فَقُلْتُ يَا رَبُّ أَنْوَارٍ مِنْ هَذِهِ فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ أَنْوَارُ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا تَسْمِيهِمْ لِي قَالَ نَعَمْ أَنْتَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي تَقْضِي دِينِي وَ تَنْجِزُ عِدَاتِي وَ بَعْدَكَ أُنْبَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ بَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يَدْعَى بِالْبَاقِرِ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ جَعْفَرٌ يَدْعَى بِالصَّادِقِ وَ بَعْدَ جَعْفَرٍ ابْنُهُ مُوسَى يَدْعَى بِالْكَاطِمِ وَ بَعْدَ مُوسَى ابْنُهُ عَلِيُّ يَدْعَى بِالرِّضَا وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يَدْعَى بِالزَّكِيِّ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ يَدْعَى بِالنَّقِيِّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ يَدْعَى بِالْأَمِينِ وَ الْقَائِمُ مِنْ وَ لَدِ الْحَسَنِ سَمِيِّ وَ أَشْبَهَ النَّاسِ بِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ...

الخرزاق القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفاي ٤٠٠هـ)، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر، ص ٢١٣ الي

٢١٨، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠هـ.

علقمة بن قيس می گوید: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بر منبر کوفه خطبه خواند ... مردی به نام عامر بن کثیر برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! ما را از پیشوایان کفر و خلفاء باطل آگاه ساختی؛ اکنون ما را از پیشوایان حق بعد از خودت آگاه کن. فرمود: این عهدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش کرده که امر خلافت را دوازده نفر امام که نه نفرشان از نسل حسین علیه السلام هستند، مالک شوند. و فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند به ساق عرش نظر کردم در آن نوشته بود «لا إله إلا الله محمد رسول الله» خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خدا است و او را به وسیله علی [صلوات الله و سلامه علیه] مدد کرده و به او یاریش دادم و دوازده نور دیدم، عرض کردم: پروردگارا این انوار از آن کیست؟ ندا آمد: ای محمد؛ اینها نور امامان از فرزندان تو است. عرض کردم: ای رسول خدا آیا نامشان را برای من بیان نمی فرمایی؟ فرمود: آری! تو پس از من امام و خلیفه هستی و پس از تو دو فرزندم حسن و حسین، و بعد از حسین فرزندش علی بن الحسین

زین العابدین، پس از علی فرزندش محمد است که به باقر خوانده شود، بعد از او فرزندش جعفر است که به صادق خوانده شود، پس از او فرزندش موسی است که به کاظم خوانده شود، پس از موسی، فرزندش علی است که به رضا خوانده شود، بعد از علی فرزندش محمد است که به زکی خوانده شود، پس از محمد فرزندش علی است که به نقی خوانده شود، بعد از علی فرزندش حسن است که به امین خوانده شود، و بعد از او قائم است. او هم نام و شبیه ترین مردمان به من است و زمین را از عدل و داد پر کند هم چنان که از ستم و بیدادگری پر شده است ...

۳. امام علی از رسول خدا علیهما السلام: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَمِ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ قَالَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ... بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ ... هَكَذَا وَجَدْتُ أَسَامِيَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَيَّ سَاقِ الْعَرْشِ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ مُوسَى التَّلَعُكَبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ مُوسَى الْهَاشِمِيُّ بِسَرٍّ مَنْ رَأَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي بَيْتِ أُمِّ سَلْمَةَ وَ قَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ "إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً" فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سَبْطِي وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وَ لَدِكَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَمِ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ قَالَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ابْنُكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ جَعْفَرِ ابْنِهِ وَ بَعْدَ جَعْفَرِ ابْنِهِ وَ بَعْدَ مُحَمَّدِ ابْنِهِ وَ بَعْدَ مُحَمَّدِ ابْنِهِ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحِجَّةُ مِنْ وَ لَدِ الْحَسَنِ هَكَذَا وَجَدْتُ أَسَامِيَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَيَّ سَاقِ الْعَرْشِ فَسَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَ أَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ.

الخزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفاي ۴۰۰هـ)، كفاية الأثر في النص علي الأئمة الاثني عشر، ص ۱۵۶ الي

۲۱۸، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ۱۴۰هـ

امير مؤمنان علی علیه السلام فرمود: در خانه ام سلمه بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد شدم که آیه "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً" بر آن حضرت نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: یا علی؛ این آیه درباره تو، حسن و حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجت قائم، نازل شده است. من به این صورت نامهایشان را بر ساق عرش مشاهده نمودم و در این باره از خداوند سوال نمودم، جواب آمد: ای محمد؛ اینها امامان بعد از تو هستند. همانا آنان انسانهایی پاک و معصومند و دشمنانشان ملعون هستند.

ج. احادیث لوح

دسته سوم، احادیث لوح است. راوی حدیث لوح صحابی گرانقدر جناب جابر بن عبد الله انصاری است. او می گوید: بعد از ولادت امام حسین علیه السلام، برای عرض تبریک نزد فاطمه علیها السلام رفتم در این هنگام لوح سبز رنگی در دست او دیدم که همانند خورشید درخشان بود گفتم: ای دختر پیامبر، این لوح چیست؟ فرمود: لوحی است که خدای متعال آن را به پدرم هدیه داد و در آن نام علی، حسن و حسین علیهم السلام و اسامی

اوصیاء از فرزندانم [از جمله امام جواد علیه السلام] نوشته شده است. پدرم نیز آن را به عنوان مژدگانی به من عطا فرمود.

روایات لوح با سندهای گوناگون در منابع حدیثی امامیه بازتاب دارد، در این بخش سه روایت به عنوان نمونه آورده می شود. روایت اول در کافی کلینی، روایت دوم در عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق و روایت سوم در ارشاد شیخ مفید وجود دارد.

۱: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام: قَالَ أَبِي يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنِ اللّٰوْحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي فَاطِمَةَ ع ... فَقَالَ جَابِرُ رَأَيْتَهُ فِي اللّٰوْحِ: هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ ... إِنِّي فَضَّلْتُ وَصِيكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ ... وَ أَخْتَمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلِيٍّ أُخْرِجُ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي الْحَسَنَ ...

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَبِي لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ - إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَمَتَى يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلُوَ بِكَ فَأَسْأَلُكَ عَنْهَا فَقَالَ لَهُ جَابِرُ أَيَّ الْأَوْقَاتِ أَحَبِّتَهُ فَخَلَا بِهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ لَهُ يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنِ اللّٰوْحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي فَاطِمَةَ ع بنتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَا أَخْبَرْتِكَ بِهِ أُمِّي أَنَّهُ فِي ذَلِكَ اللّٰوْحِ مَكْتُوبٌ فَقَالَ جَابِرٌ أَشْهَدُ بِاللّٰهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَى أُمِّكَ فَاطِمَةَ ع فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَهَنَيْتُهَا بِوِلَادَةِ الْحُسَيْنِ وَ رَأَيْتُ فِي يَدَيْهَا لَوْحًا أَخْضَرَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زَمْرَدٍ وَ رَأَيْتُ فِيهِ كِتَابًا أبيضَ شَبِهَ لَوْنَ الشَّمْسِ فَقُلْتُ لَهَا بِأَبِي وَ أُمِّي يَا بنتِ رَسُولِ اللَّهِ ص مَا هَذَا اللّٰوْحُ فَقَالَتْ هَذَا لَوْحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَى رَسُولِهِ ص فِيهِ اسْمُ أَبِي وَ اسْمُ بَعْلِي وَ اسْمُ ابْنِي وَ اسْمُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَ أَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُشْرِنِي بِذَلِكَ قَالَ جَابِرٌ فَأَعْطَنِيهِ أُمُّكَ فَاطِمَةَ ع فَقَرَأْتَهُ وَ اسْتَنْسَخْتَهُ فَقَالَ لَهُ أَبِي فَهَلْ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ قَالَ نَعَمْ فَمَشَىٰ مَعَهُ أَبِي إِلَى مَنْزَلِ جَابِرٍ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً مِنْ رَقٍ فَقَالَ يَا جَابِرُ انظُرْ فِي كِتَابِكَ لِأَقْرَأَ أَنَا عَلَيْكَ فَنَظَرَ جَابِرٌ فِي نَسْخَةٍ فَقَرَأَهُ أَبِي فَمَا خَالَفَ حَرْفٌ حَرْفًا فَقَالَ جَابِرٌ فَأَشْهَدُ بِاللّٰهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتَهُ فِي اللّٰوْحِ مَكْتُوبًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نوره وَ سَفِيرِهِ وَ حِجَابِهِ وَ دَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَظَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَ اشْكُرْ نِعْمَائِي وَ لَا تَجْحَدْ لَأَنِّي إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ مَدِيلُ الْمَظْلُومِينَ وَ دِيَّانُ الدِّينِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَدْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ فَيَايَا فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا فَأَكْمَلْتُ أَيَّامَهُ وَ انْقَضَتْ مَدَّتُهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا وَ إِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ فَضَّلْتُ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ أَكْرَمْتُكَ بِشَبْلِيكَ وَ سَبْطِيكَ حَسَنَ وَ حُسَيْنَ فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدَنَ عِلْمِي - بَعْدَ انْقِضَاءِ مَدَّةِ أَبِيهِ وَ جَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي وَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ خَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ فَهُوَ أَفْضَلُ مِنْ اسْتِشْهَادٍ وَ أَرْفَعُ الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ وَ حَجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ بِعِتْرَتِهِ أَثِيبُ وَ أَعَاقِبُ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ زَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ وَ ابْنُهُ شَبُهْ جَدِّهِ

الْمَحْمُودِ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ عِلْمِي وَ الْمَعْدِنِ لِحُكْمَتِي سَيِّهَكَ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرِ الرَّادِّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ حَقَّ الْقَوْلِ
 مِنِّي لَأَكْرَمَنَّ مَثْوَى جَعْفَرٍ وَ لَأَسْرَتُهُ فِي أَشْيَاعِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ أُتِيحَتْ بَعْدَهُ مُوسَى فَتَنَّهُ عَمِيَاءَ حُنْدَسٍ - لَأَنَّ
 خَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْتَقِطُ وَ حِجَّتِي لَا تَخْفَى وَ أَنَّ أَوْلِيَائِي يَسْقُونَ بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى مِنْ جَحْدٍ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ
 نِعْمَتِي وَ مِنْ غَيْرِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ وَيْلٌ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَاحِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مَدَّةِ مُوسَى عَبْدِي وَ حَبِيبِي
 وَ خَيْرَتِي فِي عَلِيٍّ وَ لِيٍّ وَ نَاصِرِي وَ مَنْ أَضَعَّ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ النَّبُوَّةِ وَ أَمْتَحَنَهُ بِالْأَضْطَلَاعِ بِهَا يَقْتُلُهُ عَفْرِيَةٌ مُسْتَكْبِرٌ
 يَدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ - إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي حَقَّ الْقَوْلِ مِنِّي لَأَسْرَتُهُ بِمُحَمَّدِ ابْنِهِ وَ خَلِيفَتِهِ مِنْ
 بَعْدِهِ وَ وَارِثِ عِلْمِهِ فَهُوَ مَعْدِنٌ عِلْمِي وَ مَوْضِعٌ سَرِّي وَ حِجَّتِي عَلَيَّ خَلْقِي لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلَتْ الْجَنَّةُ مَثْوَاهُ
 وَ شَفَعَتْهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلِّهِمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ وَ أَخْتَمَ بِالسَّعَادَةِ لَابْنِهِ عَلِيٍّ وَ لِيٍّ وَ نَاصِرِي وَ الشَّاهِدِ
 فِي خَلْقِي وَ أَمِينِي عَلَيَّ وَ حَيِّي أَخْرَجَ مِنْهُ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِي وَ الْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ وَ أَكْمَلَ ذَلِكَ بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ
 رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ فَيَذَلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَ تَتَهَادَى رِءُوسُهُمْ كَمَا
 تَتَهَادَى رِءُوسُ التُّرْكَ وَ الدَّيْلِمِ فَيَقْتُلُونَ ... أَوْلَئِكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حُنْدَسٍ وَ بِهِمْ أَكْشِفُ
 الزَّلَّالَ وَ أَدْفَعُ الْأَصَارَ وَ الْأَغْلَالَ أَوْلَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.
 قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لَوْ لَمْ تَسْمَعْ فِي دَهْرِكَ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ لَكَفَاكَ فَصْنَهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي، ج ١ ص ٥٢٧ الي ٥٢٨، ناشر: اسلاميه،

تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم به جابر بن عبد الله انصاری فرمود: با تو کاری دارم، چه وقت برایت آسان تر است که تو را
 تنها ببینم؟ جابر گفت: هر وقت شما بخواهی. پدرم روزی با او خلوت کرد و به او فرمود: در باره لوحی که در دست مادرم فاطمه
 علیها السلام دیده‌ای به من خبر ده. جابر گفت: در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت مادرت فاطمه علیها السلام
 رفتم و او را به جهت ولادت حسین علیه السلام تبریک گفتم، در دستش لوح سبز رنگی دیدم که گمان کردم از زمرد است و
 نوشته‌ای سفید در آن دیدم که همانند خورشید درخشان بود. گفتم: ای دختر پیامبر! پدر و مادرم فدایت، این لوح چیست؟ فرمود:
 لوحی است که خدا آن را به رسولش صلی الله علیه و آله هدیه داد و اسم پدرم، شوهرم، دو فرزندم و اسامی اوصیاء از فرزندانم
 در آن نوشته است و پدرم آن را به عنوان مزدگانی به من عطا فرمود. جابر گفت: سپس فاطمه علیها السلام آن را به من داد، من
 آن را خواندم و از آن رونویسی کردم. پدرم فرمود: ای جابر! آن را بر من عرضه می داری؟ گفت: آری. نگاه پدرم به همراه جابر
 منزل او رفت، جابر ورق صحیفه‌ای را بیرون آورد. پدرم فرمود: ای جابر، تو در نوشته‌ات نظر کن تا من برایت بخوانم، جابر در
 نسخه خود نظر کرد و پدرم قرائت کرد تا آنجا که کاملاً مطابق هم بوده و هیچ اختلافی با هم نداشتند. جابر گفت: خدا را گواه
 می گیرم که اینگونه در آن لوح نوشته بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این نامه از جانب خداوند عزیز حکیم برای محمد پیامبر
 اوست که جبرئیل از نزد پروردگار جهان بر او نازل کرد. ای محمد اَسْمَاءُ مرا بزرگ شمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن.
 همانا من هستم خدائی که جز من خدائی نیست. من از بین برنده جباران و جزا دهنده روز رستاخیز هستم. هر که به غیر از
 فضل من امیدوار باشد و از غیر عدالت من بترسد، او را به گونه‌ای عذابی کنم که هیچ کسی را اینگونه عذاب نکرده باشم.
 همانا هیچ پیامبری را مبعوث نساختم جز آنکه جانشینی برایش قرار دادم. همانا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم و وصی تو را بر
 اوصیاء دیگر برتری دادم. تو را به حسن و حسین گرامی داشتم. حسن را بعد از پدرش کانون علم خود قرار دادم و حسین را
 خزانه دار وحی خود ساختم و او را با شهادتش گرامی داشتم و او برترین شهادت و حجت رسای خود را نزد او قرار دادم و

بواسطه عترت او پاداش و کیفرم می دهم. نخستین آنها، سجاد که سرور عابدان است و پسرش محمد که شکافنده علم است. بعد از او جعفر است. کسی که درباره او شک کند هلاک می شود و هر که او را نپذیرد مرا نپذیرفت. همانا مقام جعفر را گرامی می دارم. پس از او فرزندش موسی است که (در زمان او) آشوبی سخت و گیج کننده باشد و بعد از او فرزندش علی است. وای بر کسی که منکر اوست. او را مردی پلید و گردنکش (مأمون) می کشد و نزد بدترین مخلوقم (هارون) به خاک سپرده می شود. همانا این گفتار حق از ناحیه من است که او را به پسر و جانشین او محمد خوشحال می کنم. او حجت من بر خلائق است. میباشد. هر که به او ایمان آورد، بهشت جایگاه اوست. بعد از او پسرش علی را که امین وحی من است، از او به وجود می آورم. همچنین بعد از او خزانه دار علمم حسن (امام عسکری علیه السلام) را به وجود می آورم. همانا این رشته را به پسر او «م ح م د» کامل کنم. او کمال موسی، رونق عیسی و صبر ایوب دارد. در زمان (غیبت) او دوستانم خوار گردند و (ستمگران) سرهای آنها را برای یک دیگر هدیه می فرستند چنان که سرهای ترک و دیلم (کفار) را به هدیه فرستند. همانا آنها دوستان حقیقی من می باشند که از برکت آنها مصیبتها را می بردارم.

عبد الرحمن بن سالم گفت: ابو بصیر به من گفت: اگر در تمام عمرت جز این حدیث نشنیده باشی، تو را کفایت می کند. پس آن را از نا اهلان پنهان دار.

۲: امام باقر علیه السلام از جابر: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ وَ قَدَامَهَا لَوْحٌ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا ... قَالَتْ هَذِهِ اسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمْ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدٌ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي قَالَ جَابِرٌ فَرَأَيْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ وَ عَلِيًّا عَلِيًّا عَلِيًّا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ.

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْعَامِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ السَّلُولِيِّ عَنْ دَرَسْتِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي السَّفَاتِجِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدَامَهَا لَوْحٌ يَكَادُ ضَوْؤُهُ يَغْشَى الْأَبْصَارَ وَ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا ثَلَاثَةٌ فِي ظَاهِرِهِ وَ ثَلَاثَةٌ فِي بَاطِنِهِ وَ ثَلَاثَةٌ اسْمَاءُ فِي آخِرِهِ وَ ثَلَاثَةٌ اسْمَاءُ فِي طَرَفِهِ فَعَدَدْتُهَا إِذَا هِيَ اثْنَا عَشَرَ قُلْتُ اسْمَاءُ مِنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَتْ هَذِهِ اسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمْ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدٌ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي آخِرُهُمُ الْقَائِمُ قَالَ جَابِرٌ فَرَأَيْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ وَ عَلِيًّا عَلِيًّا عَلِيًّا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ.

القمي، ابو جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۱، تحقیق:

تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴

جابر بن عبد الله انصاری گفت: نزد فاطمه علیها السلام رفتم، مقابل او لوحی قرار داشت که نزدیک بود نورانیت آن لوح چشم ها را نابینا کند. در آن لوح دوازده اسم بود که سه اسم روی آن، سه اسم پشت آن، سه اسم آخر آن و سه اسم هم در کنار آن بود. من آنها را شمردم و مجموعاً دوازده اسم بود. پرسیدم: اینها اسامی چه کسانی است؟ فرمود: اینها اسماء اوصیاء است. اولین آنها پسر عمومیم است و یازده نفر از اولاد من هستند که آخرین آنها «قائم» است. جابر گفت: در سه موضع از آن لوح نام محمد [نام سه وصی محمد بود] و در چهار موضع از آن نام علی دیده می شد [نام چهار وصی علی بود].

۳: امام باقر علیه السلام از جابر: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَ الْأَائِمَّةِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ اسْمًا آخِرَهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ.

أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ عَ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَ الْأَائِمَّةِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ اسْمًا آخِرَهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ.

البغدادي، الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، العكبري، (متوفى ٤١٣هـ)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد،

ج ٢ ص ٣٤٦، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤١٤ - ١٩٩٣ م

جابر بن عبد الله انصاری گفت: نزد حضرت فاطمه سلام الله عليها رفتم، مقابل ایشان لوحی قرار داشت و در آن نامهای اوصیاء و ائمه از فرزندان او بود. آنها را شمردم دوازده اسم در آن بود. آخرین آنها قائم [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بود. نام سه نفرشان «محمد» و نام چهار نفر «علی» بود.

گزارشهای اختصاصی

علاوه بر گزارشهای کلی، یک سری گزارشها هم به طور خاص از امامت امام عسکری علیه السلام سخن به میان آورده است. آنچه در پی می آید، نمونه‌هایی اندک از این دست گزارشات است.

أ. امامت امام عسکری علیه السلام در کلام امام رضا علیه السلام (الإمامُ بعدي محمدُ ابني وبعْدُ مُحَمَّدِ ابْنِهِ عَلِيٌّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ)

خادم امام رضا علیه السلام می گوید: دعبل خزاعی نزد امام رضا علیه السلام آمد و قصیده معروفی را که پیرامون اهل بیت علیهم السلام سروده بود خواند، در این میان از خروج امام دوازدهم هم سخن به میان آورد، به همین مناسبت امام رضا علیه السلام تا حدودی به چگونگی دوران غیبت و حضور امام مهدی علیه السلام پرداخت و تعداد امامان بعد از خود تا امام دوازدهم از جمله امام عسکری علیه السلام را برشمرد.

شیخ صدوق رحمه الله علیه در گزارشی آورده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ دَعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيَّ يَقُولُ لَمَّا أَنْشَدْتُ مَوْلَايَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَصِيدَتِي الَّتِي أَوْلَاهَا: مَدَارِسُ آيَاتِ خَلْتُمْ مِنْ تَلَاوَةٍ وَ مَنْزِلُ وَحْيِ مُقْفَرِ الْعَرَصَاتِ. فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَيَّ قَوْلِي: خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ *** يَقُومُ عَلِيُّ اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ.

بکی الرضا علیه السلام بکاءً شدیداً ثم رفع رأسه إلي فقال لي يا خزاعي فهل تدري من هذا الإمام ... يا دعبل الإمام بعدي محمد ابني وبعْدُ مُحَمَّدِ ابْنِهِ عَلِيٌّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ ...

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲ ص ۲۹۷، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

دعبل خزاعي گفت: نزد امام رضا عليه السلام قصيده خود را كه با اين ابیات شروع ميشد: مدارس آيات خلت من تلاوة *** و منزل وحی مقفر العرصات، خواندم، وقتی كه به اين بيت رسيدم:

خروج امام لا محاله خارج *** يقوم على اسم الله والبركات

(امام قائم حتما خروج خواهد كرد در حالی كه با [مدد از] اسم خدا و بركات الهی قيام خواهد نمود)

امام رضا عليه السلام گريست، آنگاه رو به من كرد و فرمود: ای دعبل، آیا می دانی اين امام (كه خروج می كند) كيست؟ ... ای دعبل! امام بعد از من پسر محمد و بعد او پسرش علي، بعد از او پسرش حسن و بعد از حسن پسرش، قائم منتظر است ...

بررسی سند

این روایت به نوبه خود از راویان مورد اعتمادی برخوردار است. در ادامه شرح حال آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِي

راوی نخست احمد بن زیاد همدانی است. شیخ صدوق رحمه الله عليه درباره او می نویسد:

كان رجلاً ثقة دينا فاضلا

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ۳۸۱هـ)، كمال الدين و تمام النعمة، ص ۳۶۹، ناشر: اسلامية - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ

او مردی مورد وثوق، دیندار و فاضل بود.

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ وَ إِبرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ

جلالت قدر این دو نفر در قسمت گزارشات کلی بیان گردید.

عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ

راوی بعدی ابوصلت خادم امام رضا عليه السلام است. نجاشی درباره او می گوید:

عبد السلام بن صالح أبو الصلت الهروي ثقة صحيح الحديث.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ رجال النجاشي، ص ۲۴۵، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

عبد السلام بن صالح مورد وثوق است و احاديث او درست است.

دُعْبِلُ بْنُ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيَّ

آخرین راوی در این حلقه دعبل است. نجاشی درباره او می نویسد:

دعبل بن علي الخزاعي الشاعر مشهور في أصحابنا.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر بـ رجال النجاشي، ص ۱۶۲، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

دعبل بن علي خزاعي شاعر ... در میان امامیه فردی مشهور است.

علامه حلی رحمه الله عليه در شرح حال او آورده است:

دعبل ابن علي الخزاعي الشاعر، حاله مشهور في الايمان وعلو المنزلة، عظيم الشأن.
الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ۷۲۶هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۱۴۴،
تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ

دعبل بن علی خزاعی شاعر، وضعیت ایمانی او مشهور است و جایگاه بلند دارد.

ب. امامت امام عسکری علیه السلام در کلام امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در مواردی امامت خودش را مطرح نمود. بدیهی است از منظر شیعیان، استناد به کلام امام عسکری برای اثبات امامتش به دور از هر گونه ایراد است زیرا از نگاه هر فرد شیعی، ائمه علیهم السلام در بالاترین درجه اعتبار قرار دارند و هر آنچه را بیان کند، بدون تردید مورد قبول است حتی اگر آن گفته پیرامون خودشان بوده باشد (برای اثبات این مدعا، مستنداتی فراوان در جایش وجود دارد)، علاوه بر آنکه اثبات امامت امام عسکری علیه السلام تنها در گرو سخنان این امام نیست بلکه دلائل گوناگونی وجود دارد و ما نمونه‌هایی از آن را پیشتر ارائه کردیم.

در این قسمت دو روایت با سند کاملاً معتبر از آن حضرت را می آوریم.

۱. الْأَرْضُ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَأَنَا ذَلِكَ الْحُجَّةُ - سند معتبر

امام عسکری علیه السلام یک بار موضوع امامتش را نزد احمد بن اسحاق اشعری بیان نمود، متن آن به

گزارش شیخ صدوق رحمه الله علیه این است:

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ... أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَأَنَا ذَلِكَ الْحُجَّةُ أَوْ قَالَ أَنَا الْحُجَّةُ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۲۲، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة

الثانية، ۱۳۹۵ هـ

احمد بن اسحاق می گوید: بر مولایم امام عسکری علیه السلام وارد شدم فرمود: ... ای احمد! آیا نمی دانید که زمین

خالی از حجّت نمی باشد و من آن حجّتم - یا فرمود: من حجّتم -

بررسی سند

تمامی راویان این روایت، در رتبه بالایی از اعتبار قرار دارند. اینک شرح حال آنها را بنگرید:

پدر شیخ صدوق رحمه الله علیه

شیخ صدوق رحمه الله علیه این روایت را توسط دو تن از مشایخ خود، پدرش و محمد بن حسن بن ولید

نقل می کند، هر دو نفر مورد وثوق اند، اما بیان وثاقت یکی از این دو نفر برای ما کافی است، به همین دلیل

تنها به شرح حال پدر شیخ صدوق رحمه الله علیه می پردازیم. نجاشی درباره او نوشته است:

علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي شيخ القميين في عصره و متقدمهم و ثقتهم.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٢٤٥، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ
علي بن حسين بن بابويه قمی، شيخ و پیشگام قمی‌ها در عصر خودش بود و در میان آنها مورد اعتماد بود

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ

نجاشی درباره می گوید:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري شيخ القميين و وجههم.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٢١٩، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ
عبد الله بن جعفر بن حسين بن مالك بن جامع حميرى شيخ و بزرگ اهل قم است

أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ

نجاشی پیرامون شخصیت وی نوشته است:

أحمد بن إسحاق بن عبد الله الأشعري ... و كان خاصة أبي محمد عليه السلام.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر به رجال النجاشي، ص ٩١، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ
احمد بن اسحاق اشعري ... یکی از یاران خاص امام عسکری علیه السلام بود

٢. مَا مَنِيَّ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي بِمَا مَنَيْتُ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعِصَابَةِ فِيَّ - سند معتبر

امام عسکری علیه السلام بار دیگر، از تردید یک عده در امر امامتش شکوه کرده است. این متن به شرح ذیل است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ: خَرَجَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَ إِلَى بَعْضِ رِجَالِهِ فِي عَرْضِ كَلَامٍ لَهُ مَا مَنِيَّ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي عَ بِمَا مَنَيْتُ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعِصَابَةِ فِيَّ فَإِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْرًا اِعْتَقَدْتُمُوهُ وَ دَنْتُمْ بِهِ إِلَيَّ وَ قَتَّ تَمَّ يَنْقَطِعُ فَلِلشَّكِّ مَوْضِعٌ وَ إِنْ كَانَ مَتَّصِلًا مَا اتَّصَلَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا مَعْنَى هَذَا الشَّكِّ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، كمال الدين و تمام النعمة، ص ٢٢٢، ناشر: اسلامية - تهران، الطبعة

الثانية، ١٣٩٥ هـ

احمد بن اسحاق می گوید: از طرف امام عسکری علیه السلام نامه‌ای به یک نفر صادر شد و در ضمن آن آمده بود: هیچ یک از پدرانم مانند من مورد شک و تردید این گروه واقع نشده است، اگر امر امامت امری موقت بود و شما بدان معتقد و متدین شده بودید، شک و تردید محل داشت، اما اگر آن امری متصل و دائم باشد مادامی که امور خدای تعالی متصل است، پس معنای شک در آن چیست؟

تمامی راویان گزارش فوق از اعتبار قابل قبولی برخوردارند. شرح حال محمد بن الحسن بن الولید در بخش گزارشات کلی بیان شد و شرح حال دو تن بعدی هم در روایت قبلی از نظرتان گذشت.

جمع بندی

ثمره این نوشتار، اثبات امامت امام عسکری علیه السلام بر پایه تعدادی از روایات منابع حدیثی امامیه است. دانستیم که این نصوص در منابع قابل اعتماد و بعضاً در منابع دست اول امامیه چون «الکافی» و «من لایحضره الفقیه» به ثبت رسیده است. نیز معلوم گشت که سند تعداد قابل توجهی از نصوص امامت امام عسکری علیه السلام اعتبار کافی را مطابق موازین دانش رجال دارايند.

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف